**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 41 - احکام تخلی – 9/9/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستنجاء /مساله8

مساله هشتم : اگر در ما یستنجیٰ به و مغسول به شک شود چه حکمی دارد؟ قبلا درباره مستنجی به شرط شد که یکی از شرایط آن طهارت است و بحث شد که با کتب قابل احترام شرعی و عرفی و استخوان و پشکل استنجاء نشود که از نظر تکلیفی حرام است و از نظر وضعی دو قول بود که سید فرمودند وضعا مطهر است اینجا جای دو امر می باشد :

امر اول : اگر شک کند که این شئ استخوان یا پشکل یا از محترمات شرعیه است یا نه ؟ در اینجا فقها فرمودند به شک اعتنا نشود و با این شئ مشکوک استنجاء کند و طهارت هم حاصل می شود.

دلیل بر جواز استنجاء سه چیز است :

اول : قاعده حِل که مدرک اصل برائت است و جایی است که شبهه موضوعیه تحریمیه باشد و اینجا هم همینطور است

دوم : استصحاب عدم ازلی جاری است (دلیل مرحوم آقای خویی). این شئ از ازل از محترمات شرعیه نبود و الان هم شک دارم استصحاب می شود عدم ازلی استخوان بودن و و پشکل بودن

نظر استاد : به نظر ما استصحاب عدم ازلی حجت نیست

سوم : استصحاب عدم نعتی است مثلا شک می کنم این ورق از اوراق محترم هست یا نه استصحاب عدم محترم بودن این ورق می شود ، استصحاب نعتی آنجایی است که شیی بوده ولی الان آن صفت را ندارد یعنی این ورق قبلا مقدساتی در آن بوده و باران آمده و از بین رفته حال شک هست که هنوز ورق مقدس هست یا نه ؟ و چنین استصحابی در موضوعات حجت است

امر دوم : اگر برای تطهیر مخرج شک در مضاف بودن یا مطلق بودن آب شود آیا می شود برای تطهیر استفاده کرد یا نه ؟ نمی تواند چون مطهر عنوان وجودی است و هر عنوان وجودی باید احراز شود یعنی باید علم پیدا کند که این آب مطلق است و مادامی که احراز نشده همواره شک در نجاست دارد

فصل فی الاستبراء : اموری در اینجا مطرح شده است :

امر اول : استبراء بعد از قطع شدن بول است چون غرض از استبراء پاک شدن مخرج بول از رطوبتهای بولی است که احیانا باقی می ماند و این غرض با انقطاع بول حاصل می شود مضافا اینکه در روایت عبد الملک بن عمر از امام صادق علیه السلام در آنجا با فاء تفریع آمده که از این فاء می فهمیم که استبراء بعد با بول است در این حدیث کلمه خَرط به کار رفته است یعنی با دست محکم فشار دادن حال این «فخرط» را بعد از «بال» گفت که وقتی بول کرد بعد فشار دهد ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)‏ فِي الرَّجُلِ يَبُولُ ثُمَّ يَسْتَنْجِي ثُمَّ يَجِدُ بَعْدَ ذَلِكَ بَلَلًا قَالَ إِذَا بَالَ فَخَرَطَ مَا بَيْنَ الْمَقْعَدَةِ وَ الْأُنْثَيَيْنِ ثَلَاثَ‏ مَرَّاتٍ وَ غَمَزَ مَا بَيْنَهُمَا ثُمَّ اسْتَنْجَى فَإِنْ سَالَ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ فَلَا يُبَالِي.[[1]](#footnote-1)

امر دوم : شروع استبراء از مخرج غائط است به شرط اینکه قبلا آن را شسته باشد چون دستش نجس میشود و اگر دست نجس را در این فاصله های استبراء بکشد نجس می شود و باید با آب بشوید و حرج پیدا می کند و علاوه بر اینکه در روایت معتبر مثل موثقه عمار امر کرد که تطهیر مخرج غائط مقدم بر استبراء است ، عمار الساباطی عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَنْجِيَ بِالْمَاءِ يَبْدَأُ بِالْمَقْعَدَةِ أَوْ بِالْإِحْلِيلِ‏ فَقَالَ بِالْمَقْعَدَةِ ثُمَّ بِالْإِحْلِيلِ‏.[[2]](#footnote-2)

1. - وسائل الشيعة ؛ ج‏1 ؛ ص282، باب 13 من ابواب نواقض الوضوء ح2. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشيعة ؛ ج‏1 ؛ ص323، باب 14 من ابواب احکام الخلوه، ح1. [↑](#footnote-ref-2)